

تخت در قلمرو قصه کوی

همراه با تأملی در قصه‌ها و افسانه‌های ایرانی

تألیف:

علی ملوان

ترجمه:

زهرامهاجری



انتشارات آردن

سرشناسه	: ملون، نانسی، Mellon, Nancy
عنوان و نام پدیدآور	: تخیل در قلمرو قصه گوئی، همراه با تأملی در قصه‌ها و افسانه‌های ایرانی / تألیف: نانسی ملون - ترجمه: زهرا مهاجری
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۰ ص.
شابک	: ۹ - ۴۴۰ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Storytelling & the art of imagination
موضوع	: نویسندگی خلاق - Creative writing
موضوع	: قصه گوئی - Storytelling
شناسه افزوده	: مهاجری، زهرا، ۱۳۳۰ - مترجم
رده‌بندی کنگرد	: ۱۳۹۵ ق ۷ م / PN۱۴۵
رده‌بندی دیویی	: ۸۰۸ ۵۴۲
شماره کتابخانه ملی	: ۵۷۲۶ ۹



انتشارات آرون

تخیل در قلمرو قصه گوئی

همراه با تأملی در قصه‌ها و افسانه‌های ایرانی

تألیف: نانسی ملون

ترجمه: زهرا مهاجری

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۶

چاپخانه حیدری: ۱۰۰۰ نسخه

۳۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - نرسیده به خیابان منیری جاوید

تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

پلاک ۱۰۵ - واحد ۳

وبسایت: www.Arannashr.ir

ایمیل: Arannashr@yahoo.com

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۱	 مقدمه
۱۹	 فصل اول: آغاز و پایان
۲۱	 تنفس حیاتی تازه
۲۲	 ماجراجویان
۲۴	 نامگذاری
۲۶	 صداها
۲۹	 آغازها
۳۱	 پایان قصه‌ها
۳۵	 فصل دوم: حرکت و هدایت
۳۵	 موسیقی قصه
۳۸	 فرود
۴۳	 صعود
۴۶	 مسیر قصه
۴۷	 پیشروی و بازگشت
۵۲	 توضیحات مترجم
۵۳	 فصل سوم: چشم‌اندازهای قصه
۵۳	 کوه‌ها

۵۷	برکه‌ها، دریاچه‌ها و دریاهاى درون قصه
۵۸	جنگل‌هاى تاريک
۶۰	باتلاق‌ها، مرداب‌ها و لجنزارها
۶۲	قلعه‌هاى تاريک
۶۶	درها و دروازه‌ها
۶۹	کلیدها
۷۱	کلبه‌ها و آلاک‌ها
۷۴	قصر و ناخ
۷۹	جاده‌ها و راه‌هاى پرچ و خم
۸۳	دریاهاى بزرگ
۸۸	توضیحات مترجم
۹۵	فصل چهارم: سفر از میان عناصر طبیعى
۹۵	حفره‌هاى روشن: دریاهاى سوزان
۹۷	آزمایش‌هاى با هوا: دوستى، خنده بلند و آینده رضایت‌بخش
۹۹	آزمایش با آب
۱۰۲	آزمایش با خاک
۱۰۵	توضیحات مترجم
۱۰۷	فصل پنجم: فصل‌ها و حالت‌ها
۱۰۷	فصل‌هاى قصه
۱۱۰	مرگ
۱۱۴	تاريكى و روشنایی
۱۱۸	قدردانى
۱۲۰	خواب و بيدارى
۱۲۲	آرزوها
۱۲۴	خواهش‌ها و تمایلات
۱۲۶	تلاش‌ها

۱۳۱	پیوند سعادتمندانه
۱۳۴	توضیحات مترجم
۱۳۹	فصل ششم: شخصیت‌های قصه
۱۳۹	مادران خوب و شایسته
۱۴۰	سایر مادرها
۱۴۵	پدران خوب و بزرگ
۱۴۸	پدران معیوبی و کم ارزش
۱۵۲	برادران
۱۵۴	خواهران
۱۵۵	جادوگران بد
۱۵۹	ساحران و افسونگران
۱۶۶	حقه بازها و دلقک‌ها
۱۶۸	آشپزها
۱۷۰	غول‌ها
۱۷۴	دیوها و کوتوله‌ها
۱۷۶	پریان
۱۷۸	جن‌ها
۱۸۴	فرشتگان
۱۸۶	دوستی‌ها و معاشرت موجودات
۱۹۱	ازدها و جانوران افسانه‌ای
۱۹۶	پرنده‌گان
۲۰۰	اسب‌ها
۲۰۲	روباه‌ها و گرگ‌ها
۲۰۶	گربه‌سان‌ها
۲۰۹	زنبورهای عسل، مورچه‌ها و سایر حشرات
۲۱۲	مارها

۲۱۴	گل‌ها
۲۱۹	درخت‌ها
۲۲۱	توضیحات مترجم:
۲۳۵	فصل هفتم: قدرت و حمایت
۲۳۵	کفش‌ها و تاج‌ها
۲۳۸	جامه‌های بلند و شل‌ها
۲۴۳	توپ‌های طلایی
۲۴۵	سنگ‌های محکم - طلسم‌ها
۲۴۱	تخم‌ها و دانه‌ها
۲۵۰	جام طلایی
۲۵۳	نیزه، شمشیر و گرز
۲۵۵	توضیحات مترجم:
۲۵۷	فصل هشتم: چگونه می‌توان در جهت تعلیم و توسعه قصه‌گویی
۲۶۳	تغییر شکل‌های حاصل از قصه
۲۶۷	منابع و مآخذ
۲۶۷	منابع فارسی
۲۶۷	منابع انگلیسی

مقدمه مترجم

قصه‌گویی هنری است اصیل و ریشه‌دار، که از روزگاران کهن تا امروز در همه سرزمین‌ها و مراتب از مرزهای سن و سال، جنسیت، تفاوت‌های فرهنگی و حتی میزان سواد، علاقه‌مندان بسیار داشته است. در گذشته، در کشورهای بسیاری از جمله «ایران» و «ژاپن» آداب و فنون قصه‌گویی به نوجوانان آموزش داده می‌شد و حتی در شماری از خانواده‌ها قصه‌گویی به صورت حرفه‌ای موروثی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یافت.

اگر چه در طول زمان این روند، در کشور ما تغییر یافت و هنر قصه‌گویی اندک اندک به دست فراموشی سپرده شد اما در سایر نقاط جهان وضعیت به گونه‌ای دیگر بود. از اوایل قرن بیستم و همزمان با یافتن‌های جدید در علوم تربیتی و روانشناسی، «قصه‌گویی» در انگلیس، فرانسه، سوئد، آمریکا، ژاپن و بسیاری از کشورها مورد توجه دقیق و همه جانبه قرار گرفته، در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به علاقه‌مندان تعلیم داده می‌شود.

در ایران به دنبال تأسیس شورای کتاب کودک (۱۳۴۰)، زبان پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۴۴)، مقوله ادبیات کودک و قصه‌گویی به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است و اقداماتی نظیر برگزاری جشنواره‌های قصه‌گویی در سطح ملی و بین‌المللی، زمینه رشد و گسترش بیشتر این هنر را فراهم کرده است؛ هرچند که هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم.

می‌دانیم که قصه و داستان، مهم‌ترین بخش «ادبیات کودکان» به شمار می‌رود و «قصه‌گویی» نقشی بی‌بدیل در آشنا ساختن کودکان با قصه‌ها و ایجاد انگیزه خواندن در آنها دارد. همچنین قصه‌گویی باعث ایجاد شادی و نشاط، رشد زبان و

مهارت‌های کلامی، رشد تخیل و خلاقیت در قصه‌گو و مخاطبان، پیوند عاطفی میان مادر و فرزند و آموزش نکات تربیتی و اخلاقی به کودکان با شیوه‌ای مؤثر و دلپذیر می‌شود. مادران، مربیان و قصه‌گویان ما با استفاده از اصول و شیوه‌های مناسب قصه‌گویی و بهره‌گیری از تخیل می‌توانند به خوبی در جهت رفع نیازهای عاطفی، روانی، علمی، مذهبی و اخلاقی کودکان قدم بردارند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که با احیای این هنر اصیل و سنت حسنه می‌توان زمینه رشد همه جانبه در کودکان و نوجوانان را فراهم ساخته، آنان را در مقابل فرهنگ‌های بیگانه مقاوم و نفوذناپذیر ساخت.

کتاب حاضر می‌تواند یاریگر شما در به دست آوردن دانش قصه‌گویی و آشنایی با تجارب قصه‌گویان سایر کشورها باشد؛ زیرا محتوای آن، آموزش گام به گام ساخت و اجرای قصه با به کارگیری قوه تخیل است.

خانم «نانسی ملون»، قصه‌گو و «هنر شفابخش» می‌نامد، به عقیده وی، در همه انسان‌ها نوعی نیاز و توانایی طبیعی برای قصه‌گویی وجود دارد که با اندک آموزش می‌تواند نتایج لذت بخش و شگفت‌آوری در بر داشته باشد.

اما تخیلات ما زمانی رشد و توسعه پیدا می‌کنند که با آن کار و تمرین شود و بتواند تغییراتی در تصاویر ذهنی ما ایجاد نماید.

قصه‌گویی رابطه‌ای تنگاتنگ با تخیل دارد. زیرا قصه‌گو با کمک تخیل خود در طرح و چارچوب قصه‌های قدیمی تغییراتی ایجاد می‌کند و برخی از خود شخصیت‌ها، فضاها و صحنه‌های قصه را می‌آفریند و قصه می‌سازد.

صرف‌نظر از لذتبخش بودن فعالیت‌ها و تمرین‌های فوق که در راستای به کارگیری تخیل صورت می‌گیرد و به قول نویسنده کتاب، «مثل یک پیاده روی عالی یا گذراندن روزی در طبیعت و یا ساحل دریا، دل‌انگیز است»؛ همه ما به تخیل فعال و رشد یافته نیاز داریم. چرا که بدون استفاده از ابزار تخیل هیچ خلاقیت و ابتکاری صورت نخواهد گرفت. نه تنها هنرمندان، شاعران، نویسندگان و دانشمندان، بلکه مادران و پدران، مربیان و هر صنعتگر، پیشه‌ور، کشاورز، آشپز و باغبانی به تخیل فعال نیاز دارد تا در حرفه و کار و مسئولیت خود، خلاق و مبتکر باشد. حتی فراتر از

این می‌توان گفت که تخیلات خلاق، سرچشمه تعادل و درمان در زندگی انسان‌ها به شمار می‌رود.

یکی از راه‌های کمک به رشد و تقویت تخیل در افراد (به ویژه کودکان ۸ تا ۱۲ ساله) شنیدن و خواندن افسانه‌ها و داستان‌های علمی-تخیلی است. از این رو به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان با قصه‌های قومی و افسانه‌های ایرانی، در پایان هر فصل، به برخی از آنها که وجه اشتراکی با افسانه‌های یادشده در کتاب حاضر دارند، همراه با تخیلی مختصر اشاره کرده‌ام. جالب اینجاست که قصه‌ها و افسانه‌های ملل مختلف در عین تنوع و گوناگونی نقاط مشترکی نیز دارند که گویای اشتراکات فکری، فرهنگی، اخلاقی و تربیتی میان انسان‌هاست.

ناگفته نماند لازم ذکر است که هر فصل از کتاب مطالب مختلفی را در بر می‌گیرد:

۱. توضیح و بیان موضوع
۲. نمونه قصه‌ای که براساس همان موضوع توسط حاضران در کارگاه‌های قصه‌گویی ساخته شده، همراه با بررسی تاثیر قصه‌ای خودساخته بر احساسات و اندیشه آنها.
۳. پیشنهاد طرح‌های عملی و کاربردی

زهرا مهاجر

۹۵/۱۱/۱۵

مقدمه

«تخیل در قلمرو قصه‌گویی»، کتابی است که اطلاعات شما را در مورد تأثیر قصه در زندگی و سرافرازش می‌دهد. قوه تخیل هر یک از ما همچون گنجینه‌ای گرانبهاست که اغلب به گونه‌ای ساکن ثابت و بی‌حرکت در وجود ما قرار گرفته، تا زمانی که این تصورات ذهنی رتخت‌های سدار شوند و کمال بیشتر یافته، زنده و درخشان گردند. علیرغم موانع بسیار، فرایند اصیل، ریشه‌دار و باشکوه قصه‌گویی ما را در تماس با قدرت‌های فراموش شده، با آنکه بی‌نگ شده و امیدهای مبهم قرار می‌دهد. همچنین ما را به شادمانی‌ها و انانی‌ها می‌دهد که هنرهای سرگرم‌کننده دیگر، آنها را تحت سیطره خود درآورده‌اند.

علاوه بر این، قصه‌گویی به ما شهادت زیستن می‌دهد. در فرایند یک قصه شگفت‌انگیز و جالب، نیروی تازه‌ای برای مواجهه با حوادث بزرگ زندگی و برای هدایت عاقلانه دیگران در هر سنی در گذرگاه‌های شوار و ناگیششان زاده می‌شود. هر قصه‌گو تصاویر درونی مؤثر و حیات‌بخش را پس از این از شانه جهانی سرچشمه گرفته و به حیات خود ادامه داده‌اند، گردآوری و مرتب می‌کند. می‌تواند این کتاب را به عنوان راهی برای بهره‌برداری از این الگوهای حیات‌بخش به شما پیشکش می‌کند.

این سخن، بدان معناست که کتاب حاضر به عنوان همراه و ملازم مجموعه‌های قصه که تاکنون شناخته و خوانده‌اید، مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخی از این قصه‌ها در پایان کتاب فهرست شده‌اند.

خواندن داستان‌های شگفت‌انگیز گذشته، شما را قادر می‌سازد که قصه‌هایی از خودتان بگویید یا بنویسید. هرچند ساختن یا نقل یک قصه بدیع و نوظهور، تجربه‌ای است کاملاً متفاوت با خواندن یا نقل داستان‌هایی که پیش از آن در کتاب‌ها تنظیم و

طبقه‌بندی شده است. سال‌های متمادی من امتیاز کار کردن با والدین و مادران باردار، آموزگاران، کتابداران و مددکاران اجتماعی را داشتم.

ما مشترکاً برای خودمان، برای بچه‌هایی که در زندگی ما وجود دارند و برای همدیگر، به هنر قصه‌گویی زندگی بخشیدیم. هدف من این بوده است که ضمن کار در کلاس‌ها و کارگاه‌های قصه‌گویی، خواه از طریق کشف داستان‌های کهن و خواه در مسیر خلق قصه‌های تازه، نیروهای قابل تغییر و حیات بخشی در ما فعال شوند که در گذر زمان مشکلات یاریمان کنند. عناصر یک قصه، شخصیت‌ها، چشم‌اندازها و فراز و نشیب‌های طرح آن، می‌توانند در طبیعت جسمانی، احساسات و ساختمان اندیشه‌ی ما تأثیر بگذارند. اگر واقعیت هر بخش از یک قصه را به عنوان جنبه‌ای از وجود خودمان تجربه کنیم، سر از نظر از این که چقدر متعالی، به هم ریخته یا مضحک و خنده‌آور باشد، تجربه‌ای روح‌بخش و نیرودهنده خواهد بود. در همان حال که بزرگسالان را با حوادث و شخصیت‌های قصه‌های خود آشنا می‌کنیم، احساس ما در مورد هستی خودمان و ارتباط با اشیاء و رابطه با مردم، نیز، رشد و تعالی می‌یابد.

تخیل سالم فعال چیست؟ تجربه من با بزرگسالان و بچه‌ها نشان داده که تخیلات ما در اواخر قرن بیستم غالباً پراکنده، پراسان، درهم و مضطرب هستند و در عین حال با الهام گرفتن از قصه‌ها می‌توانند به نحوی غیرمنتظره سالم و درخشان شوند. قصه‌های تخیلی و کهن، ثابت می‌کنند که می‌توانیم نیروی سرشار تصورات ذهنی و تخیلات خود را به شیوه‌ی شاعران و هنرمندان فعال خود، جلوه‌گر سازیم. موضوعات قوی، زبان و نیروهای برانگیزاننده‌ی تخیلات در قصه‌های کهن، غذایی روحبخش برای جان‌های ماست؛ به این صورت که باعث می‌شود خون در رگ‌هایمان به حرکت درآید و با اشتیاق نفس بکشیم. فرایند قصه‌گویی، به خودی خود، از راه صدا، حرکات سرودست، ذوق و شوق و سرچشمه‌های حکمتی که از متن قصه می‌تراود؛ همراه با رویدادهای خلاق، روح ما را عمیقاً به سوی خود فرا می‌خواند.

این کتاب بر آن است تا پاسخگوی نیازهای متفاوت باشد. هریک از فصل‌ها و مطالب و مثال‌هایی که همراه آنها می‌آید، انگیزه‌ای برای تشویق شماست (شاید علیرغم خواسته‌ی خودتان) که شما را به سمت لذت و شگفتی حاصل از زندگی سرشار

از محبت و استفاده آگاهانه از قدرت سوق می‌دهد. کتاب حاضر، ابتدا می‌تواند راهنمایی برای شناخت حالات درونی، نیروها، دیدگاه‌ها و خصوصیات شخصی که لحظه به لحظه از سرچشمه‌های عمیق تخیل سیراب می‌شوند، باشد. همچنین، این اثر به گروه‌ها و افراد زیر پیشکش می‌شود:

الف: آنها که اوقات فراغت خود را سپری می‌کنند.

ب: مرثیان و آموزگاران مدارس.

ج: آنها که در جستجوی خودآگاهی بیشتر و پرمعناتری هستند.

د: آنها که گهگاه بر جهان وسیع تخیلات خود تفوق می‌یابند.

به تبیین دیگر می‌توان گفت این کتاب به شما کمک می‌کند که عالم تخیلات را به شیوه‌ای فردی و منحصراً، تجربه و ترسیم کنید.

کتاب حاضر برای آشنایی بیشتر طرح‌های داستانی خاص تنظیم نشده است. امروزه کتاب‌هایی وجود دارند که قصه‌های برجسته و اصیل کهن را به بخش‌هایی تقسیم می‌کنند، آنها را خلاصه کرده تجربه می‌کنند و از دیدگاه‌های گوناگون برای ما تعبیر و تفسیر می‌کنند. اما روش نویسنده کتاب این است که صفحه به صفحه، به نقاط حساس قصه‌های اصیل کهن، اشاره‌ای کند. بدین منظور که نقاط حساس حیات بخش را در ذهن خواننده، زنده کند در نتیجه ضمن خواندن، نقل کردن و فرایند آفرینش و تولید، نوعی وحدت و یکپارچگی احساس می‌شود. بیشتر داستان‌ها و اسطوره‌هایی که بدانها اشاره می‌شود، دارای منشا اروپایی هستند و در عین حال از جهت موضوع با زبان‌ها و فرهنگ‌های بسیاری وجه اشتراک داشته از طبیعت اولیه، زمان و فرهنگی که متعلق به آن هستند، جدا شده‌اند.

هدف نهایی این کتاب، پرورش قدرت آفرینش قصه‌های جدید، باطراوت و سالم است که به ما کمک می‌کنند تا با ناملایمات زمانه بهتر روبه‌رو شویم. قصه‌های سالم و یاریگر، هر جا که باشیم و هر زمان که بخواهیم به آنها امکان بروز دهیم، خود به خود از درون ما جاری می‌شوند. ساختن داستانی سالم، خوشایند و با روح که واقعاً منطبق با مقتضیات زمان باشد فرایندی است که درون خفته ما را بیدار می‌کند و

احساسی از شگفتی و شادی را در ما برانگیخته و در سفرهای مخاطره‌آمیز و سرگیجه‌آور، به ما نیرو می‌دهد.

زمانی که فعالیت‌های آموزشی خود را آغاز کردم، مجموعه متفاوتی از موضوعات را در مکان‌های مختلف تعلیم می‌دادم و گمان می‌کردم که به عنوان یک قصه‌گوی سیار، موفق خواهم بود. در آن هنگام می‌توانستم هر چیزی را رضامندانه در چهارچوب کار و وظیفه بگجانم. آن روزها در جامعه آمریکا، مانند قدیم، قصه‌گویی، مورد وجه تکرار نمی‌گرفت و تشویق نمی‌شد. به علاوه، من کمر و گوشه‌گیر بودم. طی چند سال به جای قصه‌گویی، در کلاس‌های پیش دبستانی و دبستان، مقابل بچه‌ها می‌ایستادم. بیشترین وظیفه‌ام این بود که خواندن کتاب‌ها و شیوه‌های استفاده از زبان را به آنان آموزش دهم.

یک روز، اتفاق جالب و غیرمنتظره‌ای افتاد. از من خواسته شد که از بچه‌های شلوغ و بی‌قرار کلاسی به مدت یک ساعت نگهداری کنم، زیرا آموزگار آنان بیمار بود. چطور می‌توانستم آنها را ساکت کنم؟ فرصت اندکی در اختیار داشتم تا به جستجوی مطالب خواندنی مناسب آنها بروم. چون روز «سن پاتریک»^۱ بود، چند قصه را که به وسیله «دبلیو. بی. ییتز»^۲، شاعر ایرلندی جمع کرده شده بود، انتخاب کردم. به محض آن که شروع به خواندن داستان کردم، ناخودآگاه به حالت سیل ایرلندی بر زبانم جاری شد به نحوی که متحیر و مبهوت شده بودم. به خواندن ادامه دادم. بچه‌ها به اندازه خود من، مجذوب و شیفته صدای من و داستان‌های بزرگ من، شده بودند. واژه‌ها از درون من می‌جوشیدند. سینه‌ام کاملاً باز و فراخ شده بود. در پایان آن ساعت، در حالی که طنین لهجه ایرلندی من تمام شده بود، کتاب را بستم. این تجربه، برای من، حکم سرآغازی بزرگ را داشت. تعجب می‌کردم که چگونه تاکنون متوجه عناصر فرهنگی نشده بودم، که ریشه در زبان من داشتند و در انتظار پدیدار شدن در قالب قصه‌های منظوم بودند.

^۱ - Saint Patrick's Day.

^۲ - W.B. Yeats.

بعد از این واقعه، آموختم که به ندای درون خود گوش دهم و توانستم هرچه بیشتر و عمیق‌تر به صداهای خاموش در وجود بچه‌ها و بزرگسالانی که متعلق به سرزمین‌ها و فرهنگ‌های متفاوت بودند و به کلاس‌های درسم وارد می‌شدند، توجه کنم. دوست داشتم که به آنها برای رها کردن خودشان در شعر، قصه و دکلمه، مشاعره و مناظره، کمک کنم: «رؤیای خود را به من بگوید! خاطرات خود را برای ما تعریف کنید! کسی را که دوست دارید و حقیقتی را که درک می‌کنید، توصیف نمایید!»

سال‌ها پیش به مزایای اصول آموزش و پرورش «والدورف»^۱، پی برده بودم و فراگیری تیمات فوق را مسیر استواری برای رسیدن به آرمان خود می‌دانستم. هنگامی که برای تدریس در مدرسه «والدورف»، آماده می‌شدم، در کنار دروس «روان‌شناسی» و «تعلیم تربیت» برای نقل شایسته و مناسب یک قصه با ارزش، تعلیم دیدم. نمی‌دانستم قصه، در تمام قسمت از ذهن و اندیشه من قرار دارد، اما حس می‌کردم به عنوان فرج‌بخش من، انرژی کودکان، سرپای وجودم را فرا گرفته است.

در مورد تخیل، نه به عنوان فعالیتی که قبلاً انجام شده، بلکه به عنوان یک نیاز روزمره می‌اندیشیدم. به زودی آمادگی پیدا کردم که هر روز برای تثبیت ملاک‌های معلمین برجسته مدرسه «والدورف» قصه‌ای بپرورم و نقل کنم. بر اساس این روش خلاق، شروع به تقویت و تنظیم تخیلات پراکنده خود به شیوه‌ای جدیدی کردم که نیازهای کودکان تحت تعلیم مرا در نظر می‌گرفت. من، باور داشتم که قصه‌گویان ماموریت دارند تا زندگی شخصی خود را رهبری کرده، دگرگون سازند. به امیدم که این، دعوتی اصولی و کهن، برای همه کسانی است که به آن فرا خوانده می‌شوند.

یک روز در دوران کارآموزی به عنوان معلم مدرسه «والدورف» در انگلستان، با فردی از میان گروه‌های مختلف مردم روبه‌رو شدم که باعث بروز تغییرات مهمی در زندگیم شد. «گیزلا بیتل استون»^۲ قرار بود معلم خیمه شب بازی من و معلم روح

^۱ - Waldorf.

^۲ - Gisela Bittleston.

من شود. نخستین بار او را در سالن تئاتری کوچک و زیبا ملاقات کردم، در حالی که در یک نمایش خیمه شب بازی از "رومانی" موسوم به «گرگ سپید» سخن می‌گفت و با صدایی بلند و مرتعش آواز می‌خواند. داستانی زیبا دربارهٔ گرگ سپید افسون شده‌ای که عاشق نجیب و مهربان او به دورترین ستاره سفر کرده بود تا برای تغییر شکل دادن او به یک شاهزادهٔ واقعی که قبلاً بوده است، فروغ روشنایی را با خود بیاورد. داستان در مورد ارادهٔ بشر مبنی بر تغییر شکل دادن و استحالهٔ روحی خود بود. در آن لحظه موضوع و زمینهٔ کلی نمایش، روح مرا عمیقاً تحت تأثیر قرار داد.

بدین گونه، ارتباط من با افسانه‌های پریان آغاز شد، تا آن زمان به عنوان یک کودک، مثل بسیاری از همسالانم، هیچ جذابیتی در قصه‌های پریان نمی‌دیدم و کمتر از آنها لذت می‌بردم. البته امروز از این که اعلام کنم اعتقاد پیدا کردم که شاهزاده‌ها و شاهزاده خانم‌های کتاب قصه واقعاً هستند، لذت می‌برم. اکنون نیز عدم پذیرشی را که نسبت به شخصیت‌ها و دیوگان‌های مطرح شده در این کتاب، از خود نشان خواهید داد، خیلی خوب درک می‌کنم.

با این حال در بسیاری از نمایش‌های خیمه شب بازی بعدی، ضمن آن که دست راست، دست چپ و صدای من، شخصیت‌هایی را می‌سازم که شیوه اندیشیدن آزاد و بدبینانه من آنها را رد کرده بود، زندگی بدست را آغاز کردم. زمانی که امکانات جدید و عظیمی در تعلیم و تربیت کودکان در اختیارم قرار گرفت، بازآموزی «کودک درون» خود را نیز همراه طرح‌ها و چشم‌اندازهایی که خوابش را هم نمی‌دیدم، آغاز کردم. در واقع حیات پرمعناتری یافتم.

هنگام کار با این جلوه‌های زیبای فرهنگ بشری و تصاویر قصه‌های پریان، علاوه بر کسب لذت و شادمانی به تدریج در معرض اندیشه‌ها و عواطف انسانی ناآشنایی قرار می‌گرفتم. اینک صدای من از خلال فرهنگ‌ها، آداب و سنن و معارف بشری، انعکاس می‌یافت. وقتی صدای من، طنین صدای یک ملکهٔ سوگوار و اندوهگین، یک شاهزادهٔ افسون شده، یک زن جادوگر شریر و تبهکار، یک شاهزاده خانم آرزومند یا یک کاهن قدرتمند را به خود می‌گرفت، ابعاد پرورش نیافته یا گم‌شدهٔ وجودم را کشف می‌کردم. من بازیگر شادی آفرین خیمه شب بازی شده بودم که داستان‌هایی

را از پشت پرده‌های قرمز تالار قصه‌گویی به نمایش در می‌آوردم. می‌توانستم ناله و زاری کرده با صدای بلند بگیریم. می‌توانستم به این دلیل که ملکه، مشتاق داشتن فرزندی بود یا اینکه لازم بود کودکی زیبا در داستان سرود بخواند، به نحوی بسیار مؤثر آواز بخوانم. می‌توانستم مثل یک عجوزه نفرت‌انگیز یا جادوگر بخندم یا با تلفظ کشدار یک واژه، افسون‌های تبهکارانه را باطل کنم. همچنین علاقه‌مند شدم که طرز ساخت انواع عروسک‌ها را به افراد بسیاری آموزش دهم تا بتوانند این شیوه نفوذ احساس به رون یک قصه و دریافت پیام و نتیجه آن را فرا گیرند.

پس از مدت‌ها کشف کردم که در خلال ساعتی که با قصه‌هایی از سرزمین‌های مختلف کار می‌کرده‌ام، صحنه‌های برجسته و چشمگیر آنها را تغییر داده‌ام، انواع عروسک‌های دستی پیر جوان و پایه آنها را ساخته‌ام؛ حرکات، اشارات و صداها را صیقل داده و پیراسته‌ام. به نحوی، قدرت خلق داستان‌های جدید از این قصه‌های قدیمی را به دست آورده‌ام. آن که پیزی بیش از یک آدم کمرو و خجالتی نبود؛ تازه نفس شده، دارای نیروی بیکران، ناشی و هدف شده بودم.

از آن پس برای کودکانی که تعریف‌شان می‌دادم، قصه خلق می‌کردم و به عنوان قصه‌گو به مهمانی‌ها دعوت می‌شدم. انگیزه دعوت‌ها از این قبیل بود که: «مارکوس، برای جشن تولد پنج سالگیش نیاز به شنبین قصه دارد، او به قدری پرواز را دوست دارد که می‌ترسیم از بالای بلندی به پایین بیفتد.» «پرنه، بیش از هر چیز دوست دارد یک شاهزاده باشد و بسیار بزرگ‌منش و قوی باشد تا نامش می‌رسد. ای کاش می‌توانست حداقل یک قصه درباره خودش بشنود.» «ژوزف، چون به خواهرش حمله‌ور می‌شود که گویی این دختر یک نگهبان مسلح است.» «جرجان آفرینش قصه برای بچه‌ها، بارها و بارها مضطرب و پریشان می‌شدم. سپس الهام می‌یافتم و آرزوی قدیمی من تحقق پیدا می‌کرد؛ آرزویم این بود که در میان خانواده‌ها و در کلاس‌های درس بنشینم و به آن قصه جادویی که خلق می‌کنم، گوش فرا بدهم.

در حال حاضر این کار کردن با قصه‌ها، ابزار تغییر و دگرگونی شخصیت من شده است، بدین معنا که داروی تسکین آلام روحی خود را از خلال قصه‌ها به دست می‌آورم. این روزها، دقت بیشتری برای شناخت و درمان کودک درونی انسان به کار

برده می‌شود. سن و سال، عامل تعیین کننده در «قصه درمانی» نیست. کودک آسمانی و پیرخرد در وجود هر کس زندگی می‌کند. خرد و معرفت خودانگیخته‌ای که در قلب و درون هر کس تنیده شده، جوهر حیات است و همین خرد و آگاهی است که در فرایند قصه‌گویی، از آن بهره می‌جویم. این معرفت درونی مثل دعا و نیایش به ما نیرو و قوت می‌دهد. البته هر اندازه در مرور این الهامات و آگاهی‌های درونی، پایداری و سرسختی نشان دهیم، همان قدر می‌توانیم احساس کنیم که به این دنیای درون رگه‌ها ایم. آیا رنج و عذاب، غم و غصه یا کابوس و رؤیای وحشتناکی وجود دارد که بتوان آن را بیان کرد؟ آیا ترس‌ها و اضطراب‌های عمیق در قصه منعکس می‌شود؟

سازندگان قصه افکار، مصلی هستند که دارای نیازهای مادی و معنوی بوده، عواطف بشری و زمینی. همچنین کودکانی خردمند در خود نگه داشته، به اقلیم‌های لذت می‌برند.

من مردم را دعوت می‌کنم که خود را به سبیل گرد من که پراز طرح‌های عروسک‌سازی و الگوهای قدیمی است رسانند تا بتوانند به کمک عروسک‌ها، صحنه‌هایی از زندگی و تمایلات درونیشان را نشان دهند یا برای نوشتن و خلق داستان به یاری تخیلات، دقت و خلاقیت، گرداگرد شرح حلقه بزنند. یا برای مدتی و به منظور نقل قصه‌هایی برای یکدیگر که زندگیشان به خرد به آن وابسته است، در گروه‌های دو نفره، جدا جدا بنشینند.

از آنجا که برای قصه‌گو شدن، مخالفتی در وجود خود احساس نمی‌کنم، وجود نیروهایی را که درون شما ذخیره شده است، به درستی درک می‌کنم. اگر چه این نیروها ممکن است از دید شما مخفی باشند، اما می‌توانید با تأیید و راهنمایی صحیح، آنها را سر و سامان دهید. وقتی زمان نقل یک داستان فرا می‌رسد، به خودم و دیگران می‌گویم: «نفس عمیق بکشید. درون خود غوطه بخورید و شناور شوید. آنها ما را در سطح نگه می‌دارند. یا برقصد، پرواز کنید و به درون آتشفشان بجھید.» در قلمرو قصه‌ها، همه این موارد به خوبی و بدون مانع می‌تواند تجلی پیدا کند.